

پیش‌خواران

روایتی از یک گام بلند در مسیر نهضت ملی ایران

استیضاح از دولت

ساعد چگونه رقم خورد؟

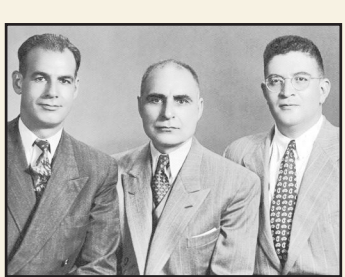
■ **محمد رضا کائینی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، یکی از شاخص‌ترین اسناد نهضت ملی ایران است که ج‌س‌ا دارد پس از این همه سال، مجدداً از سوی ناشر (انتشارات امیرکبیر)

بازنشر و در دسترس محققان و جوانان قرار گیرد. موضوع کتاب، استیضاح دولت محمد ساعد مراغه‌ای است که در مجلس یازدهم و توسط سید ابوالحسن حائری‌زاده، مظفر بقایی و حسین مکی انجام گرفت. این مجموعه بعدها از سوی خود مکی تدوین شد و نشر یافت. به واقع این سند تاریخی، افس‌ت شده شرح مذاکرات مربوط به این استیضاح است که مقدمه‌ای بلند از حسین مکی را در صدر خویش دارد. این دیباچه – که با عنوان «شان نزول استیضاح» به رشته تحریر درآمده، نشان می‌دهد که اقلیت مجلس یازدهم در راستای انجام وظیفه قانونی خویش، با چه تهدیداتی مواجه شدند، اما نهایتاً با سختکوشی و پی‌جویی، به هدف خود دست یافتند. مکی در بخشی از این روایت، چنین آورده است:

«دوره یازدهم تقنینیه با مسئله نفت شروع شد و با قضیه نفت پایان یافت. در این دوره مجلس، قانون کاپل لم یکن دانستن قرارداد قوام – سادچیکف و استیفای حقوق ایران از نفت جنوب به تصویب رسید. عده‌ای از نمایندگان راجع به حقوق از دست رفته ایران و استیفای آن نطق‌های مهم و شورانگیز ایراد نمودند و حتی چند روز قبل از واقعه سوءقصد درآشاه در دانشگاه، دولت ساعد به وسیله عباس اسکندری نماینده همدان مورد استیضاح قرار گرفت و دولت مشغول پاسخ به استیضاح بود که



▲ از چپ: حسین مکی، ابوالحسن حائری‌زاده و مظفر بقایی

واقعه سوءقصد به‌وقوع پیوست. استیضاح دیگری هم توسط غلامحسین رحیمیان نماینده قوچان از دولت شد که روز ۱۲ و ۱۴ بهمن ۱۳۳۷ در مجلس مطرح گردید و رحیمیان دربارهٔ نفت و بانک‌شاهی (متعلق به انگلیس‌ها) و حوزه انتخاباتیاش، مطالبی بیان کرد ولی استیضاح پایان‌ناافته بود. اغلب حوادث بلکه تمام وقایع و تشنج‌جانی که به‌وقوع پیوسته، سرچشمه‌اش از نفت است. یکی دو هفته قبل از ۵ بهمن، طرحی به وسیله و خطی دو نگارنده دین‌دین شرح به‌فیسد دو فوریت تقدیم و تقاضای طرح و تصویب آن را داریم؛ مجلس شورای ملی ایران، قرارداد ادعایی نفت جنوب را به نام شرکت نفت ایران و انگلیس) به‌رسومت نمی‌شناسد و آن را کان لم یکن می‌داند. حسین مکی، عباس اسکندری، حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد، محمود محمود، منوچهر کلبادی، معتمد دماوندی، غلامحسین رحیمیان، شریف‌زاده و کنساورز صدر و لاهوتی.» ۱۱ نفر از نمایندگان آن را امضاء کردند و فقط چهار نفر باقی داشتند تا قابل طرح در مجلس باشند. مشغول تکمیل امضاها بودم که دو سه شب قبل از ۵ بهمن، در معرض تهدید قرار گرفتم که چگونگی آن به این قرار بود؛ دو ساعت بعد از نصف شب، ناگهان مبتلا به دل درد شدم. ناچار بر خاستم. کسی را پیدار نکردم. اتوی برقی برداشته و به برقی وصل نمودم. حوله‌ای را گرم کرده، روی معده گذاشتم. اندکی درد تسکین یافت. چراغ اتاق را خاموش کردم، ولی در حدود نیم‌ساعت با سه‌ربع، همچنان بیدار بودم که ناگهان صدای فریاد مردم – که در اتاقی نزدیک اتاق من خوابیده بود– بلند شد، از جا جستم، هفت‌تیر را برداشته، مرد قوی هیکل و قد بلندی را در ایوان جلوی اتاقم مشاهده کردم! یک تیر هوایی شلیک کردم، مرد دیگری را رو دم حیاط دیدم که از طرف دیوار شش متری مقابل، به چپکی بالا رفت! یک نفر دیگر هم روی بام مشاهده کردم. تیر دوم صدا کرد. آن دو نفر، خود را به بالای بام رسانیدند. بالاقتلاص دو نفر پاسبان رسیدند و چون یک سانتیمتر برف روی زمین نشسته بود، رد پا را روی برف مشاهده نمودند. دنبال رد پا را گرفتند، تا به کوچاهی رسیدند و از همان راه مراجعت کردند…»

■ **احمد رضا صدری**

انقلاب اسلامی از سرچشمه خرداد خونین ۱۳۴۲ سرمنشأ یافت. بسا این همه آنچه در آن دوره به وقوع پیوست، مسبوق به پیشینه‌ای بود که در میان آنها پیشینه‌اندیشه مبارزاتی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، از اهمیتی فراوان برخوردار است. مقالی که در پی می‌آید، درصدد است تا با استناد به قدیمی‌ترین و معتبرترین اسناد، تصویری از اندیشه و رویکرد سلسله چنین انقلاب اسلامی در جنبش ۱۵خرداد ارائه دهد. مستندات این تحقیق، در تارنمای مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران آمده است. امید آنکه عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **از جور رضا شاه کجا داد کنیم؟**

بر حسب اسناد و شواهد، امام خمینی از دیرباز برای مبارزه با رژیم پهلوی، دارای اندیشه‌ای روشن و مدلل بوده‌است. او چگونگی نیل رضاخان به سلطنت را معلول عناصری چون ایجاد اختناق، فریبکاری و مهم‌تر از همه، حمایت دولت انگلستان می‌دانست و از این روی، بر این باور بود که حکومت قزاق از آغاز، فاقد مشروعیت بوده و تخت نشینی فرزندش نیز چنین حکمی دارد. به همین دلیل می‌توان حکم داد که اندیشه براندازی سلسله پهلوی، از آغاز در ذهن امام وجود داشته، هرچند ابراز آن به شرایط سیاسی وابسته بوده‌است. ندا عظیمی زواره، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره معتقد است: «همی‌توان در باب دوران سلطنت رضاخان (۱۳۲۰- ۱۳۰۴) مطالعه‌ای انجام داد، اما به استناد فری وی و نحوه کسب قدرت او می‌شد تا در خا‌ن در حالی به قدرت رسید که اساس نبرداخت. رضا خان در مشخص شدن اهداف وی در شکل‌گیری حکومتش با چالش‌های مشروعیت همراه بود. او اگر چه ابتدا سعی کرد برخی ظاهرسازی‌ها قدری مقبولیت خصوصاً بین طبقات مذهبی به دست آورد، اما با گذشت زمان و مشخص شدن اهداف وی در حکومتداری و همچنین نقش بی‌واسطه انگلیس بر روی کار آمدنش زمره‌های مشروعیت‌ناشتن او بیش از پیش رونق گرفت. با این‌حال سرکوب سخت مخالفان باعث می‌شد تا در دوران سلطنت وی، کمتر ندای مخالفتی به گوش برسد، اما هم‌زمان با برافتادن وی، اندک‌اندک نقد مشروعیت او نیز شروع شد. از انتقادات امام خمینی در دوره سلطنت رضاشاه نسبت به حکومت وی، تنها یک دویبت‌باقی است، اشعاری که از سلطه سنگین وی بر ابعاد مختلف جامعه حکایت دارد:

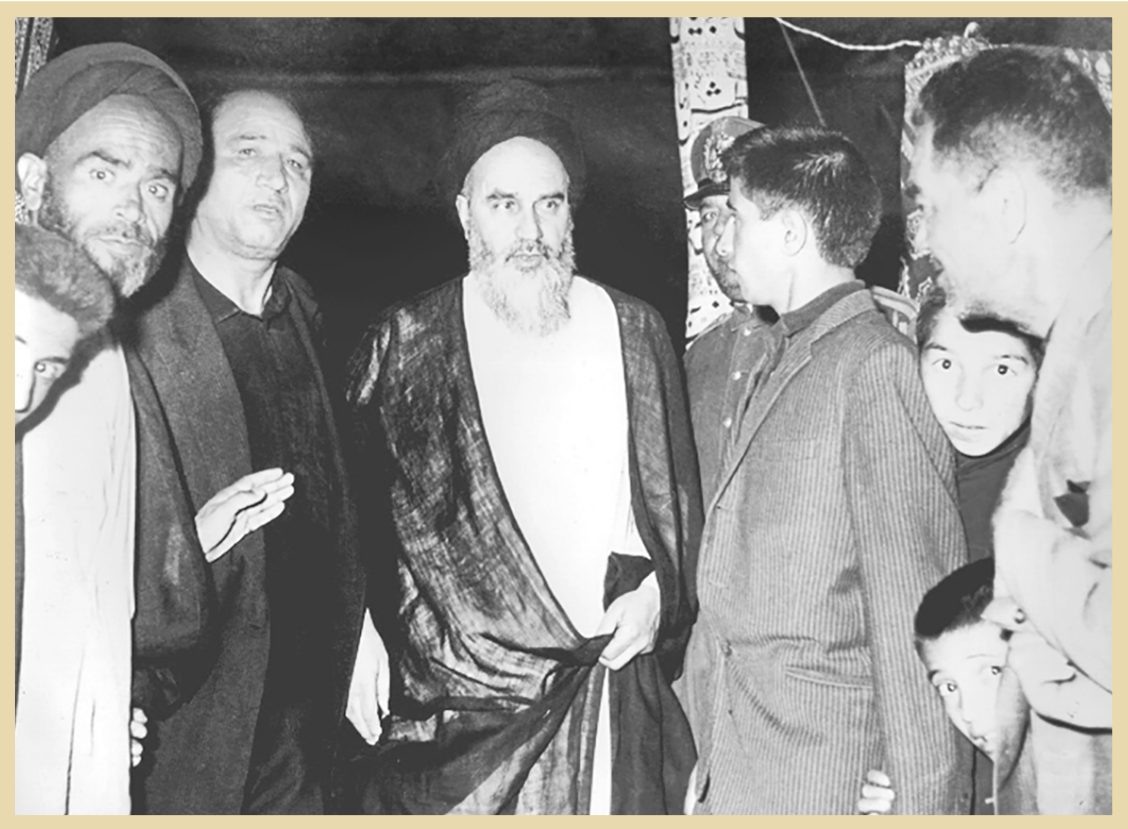
از جور رضاشاه کجا داد کنیم؟/زین دیسو، بر که ناله بنیاد کنیم؟

آن دم که نفس بود، ره ناله بیست/اکتون نفسی نیست نکر دم، اتوی برقی برداشته و به برقی وصل نمودم. حوله‌ای را گرم کرده، روی معده گذاشتم. اندکی درد تسکین یافت. چراغ اتاق را خاموش کردم، ولی در حدود نیم‌ساعت با سه‌ربع، همچنان بیدار بودم که ناگهان صدای فریاد مردم – که در اتاقی نزدیک اتاق من خوابیده بود– بلند شد، از جا جستم، هفت‌تیر را برداشته، مرد قوی هیکل و قد بلندی را در ایوان جلوی اتاقم مشاهده کردم! یک تیر هوایی شلیک کردم، مرد دیگری را رو دم حیاط دیدم که از طرف دیوار شش متری مقابل، به چپکی بالا رفت! یک نفر دیگر هم روی بام مشاهده کردم. تیر دوم صدا کرد. آن دو نفر، خود را به بالای بام رسانیدند. بالاقتلاص دو نفر پاسبان رسیدند و چون یک سانتیمتر برف روی زمین نشسته بود، رد پا را روی برف مشاهده نمودند. دنبال رد پا را گرفتند، تا به کوچاهی رسیدند و از همان راه مراجعت کردند…»

دیدگاه شرعی و فتوای امام خمینی در باب حکومت اسلامی، مبتنی بر ولایت فقیه و نفی حکومت‌های استبداد و استعمار زده، به عنوان طاغوت بود. با این همه ایشان در طول مبارزات، این هدف را به صورت گام به گام طرح و دنبال کرد و این از زمان سنجی و موقعیت‌شناسی آن بزرگوار نشست می‌گرفت. به واقع هر چه ماهیت وابسته و اصلاح‌ناپذیر رژیم گذشته تبلور بیشتری یافت، اهداف مطر و از سوی رهبر انقلاب اسلامی نیز توسعه پیدا می‌کرد

عاریخ

کفت و کرم ۸۸۴۹۸۴۲۷



آغازین گام‌های مبارزاتی امام خمینی، در آینه روایت‌ها و تحلیل‌ها

رضاخان هم قانوناً شاه نبود

چه رسد به پسرش!

که فریاد کنیم

امام خمینی پس از عزل رضاشاه و کمرنگ شدن این جو خفقان، با بصراحت بیشتری به انتقاد از عملکرد او و میراث سیاسی اش پرداخت. در نخستین اعلامیه سیاسی امام که در سال ۱۳۲۲ و با به «قُلْ أَنَّمَا أَعْتَقَم بواجدهٔ اَنْ تَقُوْمَا لِلّٰه مَشٰی وُفَرَادِی» منتشر شد، امام به نقد شرایط دوران او پرداخته و با انتقاد رویه عرفانی خود، تمامی بلا‌ی و فجایع دوران رضاشاه از جمله: شهوت پرستی، میز‌نشینی، بر باد رفتن منابع و منافع ملی، تعرض به اموال و نفوس و اعراض مسلمانان، از دست دادن کرسی‌های علم و دانش، گسترش فحشا، معطل شدن موقوفات مدارس و محافل دینی، کشف حجاب، رویه‌های اخلاف دین و قانون، انتشار روزنامه‌ها و مجلات غیراخلاقی، دین‌زدایی و روحانیت‌ستیزی را ناشی از نفس پرستی و شهوت پرستی «رضاخان خشک‌مغز و شهوت پرست و بی‌سواد» می‌داند. علاوه بر انتشار بیابیه‌هایی اینچنین، امام با انتشار کتاب «کشف‌الاسرار» به نقد علمی‌تر رویه دین‌ستیز دوران پهلوی اول می‌پردازد. این کتاب که در واقع نقدی بر کتاب «اسرار هزار ساله» علی‌اکبر حکمی‌زاده بود، حاوی رسندی به شبهات سیزده‌گانه نویسنده بود.

امام خمینی ابتدای کشف‌الاسرار، به صورت ویژه به نقد عملکرد رضاخان در برخورد با روحانیت پرداخته و او را عامل «اختناق ایران و دین» می‌داند. البته رویه علمی امام در تألیف کشف‌الاسرار، پیرو کلاس‌های بود که پیشتر و در زمان استقرار رضاشاه از سوی ایشان پیگیری می‌شد. کلاس‌های اخلاقی امام تا قبل از سال ۱۳۲۰ (سقوط رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین)، با رویکردی اخلاقی و با هدفی انقلابی بر گزار می‌شد. به هر حال با تدقیق در گفتار و اندیشه امام خمینی (خصوصاً در صحیفه امام، معلوم می‌شود که محور انتقادات ایشان به رضا خان، در چند مورد کلّی قابل بررسی است: فسساد و فحشسای دوران او، مبارزه با روحانیت و دین‌ستیزی، دفاع از دگراندیشان ضد دین، باستانگرایی، حذف مصلحان و آزاداندیشان، برخورد با شاعریر و یکجانشین کردن آنان، تاراج اموال عمومی ملت، مبارزه با علم و دانشگاه و تحریف جریان علمی کشور، سازمان‌دهی ارتش غیر کار آمد، وابستگی به خارج و خصوصاً انگلستان و نهایتاً مشروعیت سیاسی نداشتن وی و سلسله پهلوی. نخستین موردی که در دیدگاه امام خمینی، سلطنت رضاخان را با اشکال و اخلال مواجه می‌سازد، چگونگی رأی آوری او از سوی مجلس پنجم است. امام معتقد بود مجلسی که رأی به سقوط خاندان قاجار و بر آمدن رضاخان داده بود، اساساً مجلس فرمایشی بود که نمایندگان گش از عاب‌و تطمیع،

به رأه یافته بودند و لذا اصلاً نماینده واقعی مردم ایران محسوب نمی‌شدند. در واقع انتخابات این مجلس، در فرایندی کلاً مغایر دموکراتیک انجام شده بود و غالباً نمایندگان در مدح رضاشاه و سلطنت وی، نطق‌های پرشوری ایراد می‌کردند. علاوه بر ایراد به مجلس پنجم، امام خمینی مجلس مؤسسان را که رضاخان در آن به عنوان رضاشاه قسم یاد کرد نیز مجلسی فرمایشی و تشکیل شده بر اساس زور سررنیزه می‌داند. اما دومین عاملی که به عقیده امام موجبات زوال مشروعیت رضاشاه را فراهم آورد، وابستگی وی به اجانب و خصوصاً استعمار انگلیس بود. امام بر این باور بود که انتکابی بی‌حد و حصر رضاشاه بر بر تانیا باعث شده بود تا او عملاً کارگزار دولت انگلیس باشد و نه شاه ایران و مشروعیت اسلام. در واقع قدری‌های رضاخان همراه با سالوس و تزویر نهاده‌ینسه‌شده در وجودش، در کنار حمایت‌های خارجی از وی، سبب شد تا وی به قدرت دست یابد بنابراین ابراه ندون وجود این مؤلفه‌ها امکان برقراری حکومت رضاشاهی میسر نبود. امام به این نکته توجه می‌دهد که رضاشاه نمی‌توانست به لحاظ قانونی به کرسی سلطنت دست یابد، از آژمانی که از سوی انگلستان مورد حمایت همه‌جانبه قرار گرفت.»

■ **توسعه تدریجی اهداف مبارزاتی رهبر انقلاب**
همانگونه که در بخش پیشین اشارت رفت، دیدگاه شرعی و فتوای امام خمینی در باب حکومت اسلامی، مبتنی بر ولایت فقیه و نه فقیه سایر حکومت‌های استبداد و استعمار زده، به عنوان طاغوت بود. با این همه ایشان در طول مبارزات خویش این هدف را به صورت گام به گام طرح و دنبال کرد و این از زمان سنجی و موقعیت‌شناسی آن بزرگوار بود. به واقع هر چه ماهیت وابسته و اصلاح‌ناپذیر رژیم گذشته تبلور بیشتری یافت، اهداف مطروحه از سوی رهبر انقلاب اسلامی نیز توسعه پیدا می‌کرد. زهرا سعیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در بسط این موضوع چنین آورده است: «مخالفت با اهداف متفقان و مبارزات از دهه ۱۳۲۰ و بعد از آن بود. با این حال امام خمینی اهداف داخلی، بلکه تمامیت سیاسی حکومت بود.»

■ **نقطه آغاز مبارزه، با محوریت مشر و عبیت**

شاید بتوان ادعا کرد که محرم سال ۱۳۲۲ و سخنرانی امام خمینی در عصر عاشورای آن سال در مدرسه فقیهیه قم نقطه‌آغازی بر مشروعیت‌زایی از رژیم شاه به شمار می‌رفت. در آن سخنرانی، امام پهلوی دوم را با القابی مورد انتقاد خطاب قرار داد که نمی‌تواند خطاب شدت مهر امام خمینی را بر دل داشت. او با اینکه قدم در راه اسلام و مسلمین عزت بخشیدید. با توجه به آنچه گفته شد، تأکید روحانیت بر مرجعیت امام خمینی و همچنین حمایت‌های فراوانی که جامعه روحانیت از امام داشت، مانع از آن می‌شد که رژیم پهلوی در دانست که در آن شاه را «هیچاره»، «بدبخت»، «غافل» و «لت‌دست» امیریکا و همسو با اسرائیل معرفی و او را تهدید کرد که اگر به اقدامات ضد اسلامی و همسویی خود با بیگانگان پایان ندهد، مردم او را از کشور بیرون خواهند کرد امام خمینی در این دوره بر این اعتقاد بود



▲ فروردین ۱۳۴۳، دیدار آیات سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی و سیدحسین قاضی شایبانی با امام خمینی پس از آزادی ایشان از حبس و محصر

درد

بر حسب شواهد، امام خمینی از دیرباز برای مبارزه با رژیم پهلوی، دارای اندیشه‌ای روشن بوده‌است. او چگونگی نیل رضاخان به سلطنت را معلول عناصری چون ایجاد اختناق، فریبکاری و مهم‌تر از همه حمایت دولت انگلستان می‌دانست و از این روی، بر این باور بود که حکومت قزاق از آغاز، فاقد مشروعیت بوده و تخت‌نشینی فرزندش نیز چنین حکمی دارد. به همین دلیل اندیشه براندازی پهلوی‌ها از آغاز در ذهن امام وجود داشته، هر چند ابراز آن به شرایط زمانی وابسته بوده است

پایه نظر بیا‌تث به او معتقد می‌شوند و دعوتش را به خاطر منطقی که در اصالت پیام و حقیقت اندیشه‌اش می‌یابند، می‌پذیرند. از این رو می‌توان گفت مبارزات و فعالیت‌های رهبران، با اهداف خاصی شکل می‌گیرد. بر این اساس مبارزات سیاسی امام خمینی نیز از همان آغاز، با اهداف مشترک و در عین حال روش‌های متفاوتی همراه بود. چنان‌که تجارب سیاسی ایشان از مبارزات گذشته، پس از شهریور ۱۳۲۰ش، ابتدا با نوشتن کتاب کشف‌الاسرار علیه سیاست‌های ضد دینی و ضدفهرنگی رضاشاه بروز کرد و به عبارتی، فلسفه مبارزات ایشان در این دوره، بر محوریت سیاست‌های داخلی رضاشاه در حوزه مسائل دینی متمرکز بود. تلاش امام خمینی در این دوره، بیشتر معطوف به زدودن آثار و نتایج سیاست‌های ضد دینی و ضداسلامی رضاشاه بود که با انتقال قدرت به فرزندش همچنان ادامه داشت. در این دوره گرچه موضوع حکومت نیز مورد توجه امام قرار داشت، اما به دلایلی ارجحیت و مسائل دینی و فرهنگی بود. با این همه این مبارزات در دهه ۱۳۴۰، ماهیت و روش متفاوتی پیدا کرد. مبارزه امام خمینی در دهه ۱۳۴۰، در مخالفت جدی ایشان با قانون کاپیتولاسیون آغاز شد، البته پیش از آن نیز امام با لایحه‌انجمن‌های ایالتی و ولایتی به مخالفت پرداخته بود. اما قانون کاپیتولاسیون از نظر امام، عاملی مهم در وابستگی کشور به بیگانگان بود. از این رو پس از طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسیون توسط حسنعلی منصور در مجلس، امام خمینی مجدداً به عنوان رهبر بلا‌مناع مردم ایران، این قانون را منقاریر با استقلال کشور اعلام کرد. در واقع می‌توان گفت فلسفه اصلی مبارزات امام خمینی در این دوره، سیاست‌های حکومت در موضوع سلطه بیگانگان بود. به عبارتی با شروع قطع قسبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هدف اولیه امام سرنگونی رژیم نبود، با دست کم چنین طرح قانون کاپیتولاسی